



مردی که بسیار درس داد

جلال آل احمد

جعفر ربانی

نگاهی به زندگی جلال آل احمد

آل احمد، معلم و نویسنده‌ای بود که با گذشت بیش از چهل سال از درگذشت وی، آثارش همچنان خواننده دارد و اندیشه‌هایش مورد بحث و نقد موافقان و مخالفان اوست. در این نوشته کوتاه قصد داریم با تمرکز «بر زندگی معلمی» او، که البته وی به سختی در آن می‌گنجید، نیم‌رخ از چهره جلال را به شما بنمایانیم و تماشای چهره تمام رخ او را به همت خودتان واگذاریم.

که بود و چه کرد؟

آل احمد در زندگی خود دو کار اساسی انجام داد که همین دو کار، مطرح ساختن او به عنوان یکی از معلمان بزرگ ایران را موجب می‌کند: ۱. نشر فارسی ویژه‌ای ابداع کرد که بسیاری را به دنبال خود کشاند؛ ۲. مباحثی تازه را مطرح ساخت که در درازمدت دامنه‌اش گسترش یافت و به مشغله فکری بسیاری از روشن فکران و حتی مردم تحصیل کرده طبقه متوسط تبدیل شد. این تأثیر هنوز باقی است.

اما زندگی او

در زندگی‌نامه مختصری که جلال آل احمد با نام «مثلاً» شرح احوالات از خود برجا گذاشته، «نزول اجلال» خود به «باغ وحش این عالم» را در سال ۱۳۰۲ دانسته و گفته که بعد از هفت دختر به دنیا آمده است؛ در تهران، پشت امامزاده سید نصرالدین، در خیابان خیام کنونی. پدرش سید احمد طالقانی روحانی محل بود. محضر ازدواج و طلاق داشت و امور مردم را رفع و رجوع می‌کرد تا این که «وزارت عدلیه داور- وزیر دادگستری- دست گذاشت روی محضرها و پدرم زیر بار انگ و تمبر و نظارت دولت نرفت و در دکانش را بست و فناعت کرد به این که فقط آقای محل باشد».

آل احمد دبستان را که تمام کرد، پدرش اجازه نداد بیشتر بخواند. ناچار به بازار تهران رفت و مشغول کار شد و به

کارهای متفرقه مثل «ساعت‌سازی، بعد سیم‌کشی برق، بعد چرم‌فروشی و از این قبیل...» دست زد، اما دور از چشم پدر، در کلاس‌های شبانه دارالفنون درس خواند تا دیپلم گرفت. وی در سال ۱۳۲۲- دو سال پس از شهریور ۲۰- به دانش‌سرای عالی تهران رفت و در سال ۱۳۲۶ لیسانس گرفت و به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و معلم شد؛ معلم مدارس تهران که البته بعدها به معلمی، در واقع استادی، در همان دانش‌سرای عالی منجر شد. می‌دانیم که یک دهه پس از شهریور ۲۰، از دهه‌های پرتلاطم و توفانی در تاریخ معاصر ایران است: سقوط و تبعید رضاشاه، آمدن محمدرضا پسرش، ادامه جنگ جهانی، اشغال آذربایجان و زنجان، ماجرای پیشه‌وری در تبریز و سرانجام آزاد شدن آذربایجان از اشغال روس‌ها، ماجرای فداییان اسلام، قدرت یافتن حزب توده و جبهه ملی، نخست‌وزیری دکتر مصدق، ملی شدن صنعت نفت و سرانجام کودتای ۲۸ مرداد. این‌ها همه در همین مدت کوتاه روی داد و آل احمد در متن یا بطن همه آن‌ها حضور داشت. وی نخست به حزب توده پیوست که در آن زمان هواخواهان جوان و پرشوری داشت. در حزب ترقی کرد و حتی به سردبیری مجله ماهانه مردم، زیر نظر احسان طبری، رسید. اما ماجرای آذربایجان و حمایت روس‌ها از جدایی این خطه از ایران، آل احمد و جمعی دیگر را مأیوس کرد. ناچار او و دوستانش استعفا دادند و از حزب بیرون آمدند. از آن پس، آل احمد بیشتر به کار معلمی پرداخت و با همکاری

■ آل احمد
بسیار درس داد،
بسیار گفت،
بسیار نوشت،
بسیار سفر کرد،
بسیار ترجمه کرد
و بسیار اندیشید،
اما
بسیار عمر نکرد

نشر آل احمد

تلگرافی
شلاقی، عصبی،
پر خاشگر،
حساس، دقیق،
تیزبین
صریح
صمیمی
منزله طلب
حادثه آفرین،
فشرده، کوتاه،
بریده و در
عین حال بلیغ
است...



دکتر صابر سپهری (۱۳۴۶)
معلم نمونه کشوری
اردبیل

صابری سپهری متولد شهرستان مغان است. تحصیلات خود را تا کسب مدرک دیپلم در اردبیل گذرانده است. او با تحصیل در رشته تربیت بدنی از سال ۱۳۶۷ تا سال ۱۳۷۰ دبیر ورزش مدارس اردبیل بود اما در این سال در آزمون کنکور سراسری شرکت کرد و در رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز پذیرفته شد. بنابراین، به تحصیل در رشته طب ادامه داد تا فارغ التحصیل شد. او در بازگشت به اردبیل، همچنان به خدمت در آموزش و پرورش ادامه داد. دکتر سپهری اکنون به عنوان مربی بهداشت مدارس ناحیه یک شهر اردبیل به خدمت اشتغال دارد. وی در زمینه کاری خود پژوهشی را با عنوان «بررسی مقایسه‌ای مهارت‌های بهداشتی-ورزشی دانش‌آموزان واجد مربی و فاقد مربی بهداشت در مدارس ابتدایی» به انجام رسانده است.

گذراند؛ مسیری از زندگی سنتی در یک خانواده مذهبی سنتی و روحانی، تا ورود به حزب توده و بالا رفتن آن. سپس بریدن از حزب و به ملی‌گرایی رو آوردن و سرانجام بازگشت به نوعی از تفکر مذهبی که در زمینه اخیر، این سه کتاب او شاخص است: **غرب‌زدگی، در خدمت و خیانت روشنفکران، نون و القلم؛** و ارزش دارد هر یک اقلاً یک‌بار خوانده شود.

جلال با روشنفکران جهان سومی زمان خود که چپ‌گرا، ضد استعمار، ضد امپریالیسم و ضد فاشیسم بودند، هم نوایی داشت، ولی در عین حال از نوعی استقلال ذهنی و درونی برخوردار بود که همراه با جسارت ذاتی وی، باعث می‌شد به صراحت حرف و نظرش را در هر جا که می‌توانست، بر زبان یا قلم آورد. برای مثال، کتاب «غرب‌زدگی» او که این همه سر و صدا کرد، در اصل گزارشی بود که وی بنا به درخواست شورای عالی فرهنگ (آموزش و پرورش) تهیه کرده بود (۱۳۴۰) و او بدون ملاحظه این که می‌خواهد اثری برای یک دستگاه رسمی مملکت بنویسد، بی‌محبا هر چه را در دل داشت، روی کاغذ آورد. این اثر هرگز مجوز انتشار رسمی نگرفت، ولی دست به دست خوانده شد و شاید به همین دلیل، یعنی سانسور، طرفداران بسیار پیدا کرد.

پس از واقعه ۱۵ خرداد ۴۲، آل‌احمد بیش از پیش به نقش تاریخی و اجتماعی روحانیت گرایش یافت و متوجه شد که نهاد روحانیت از چنان قابلیت‌های برخوردار هست که بتواند در تحولات آینده تأثیری بگذارد. از این‌رو به قم رفت و با **امام خمینی (ره)** دیدار کرد و با شگفتی مشاهده کرد که کتاب غریب‌زدگی‌اش، زیر دشکجه امام است! امام نیز آن را خوانده بود.

تردید نیست که آل‌احمد، با ادبای عالمه و فرهیخته دانشگاهی ایران متفاوت بود و هرگز در تحصیلات علوم قدیم و جدید به پای آن‌ها نمی‌رسید. اما ویژگی منحصر به فرد او که جست‌وجوگری و سرکشیدن به عرصه‌های فکری، اجتماعی، سیاسی و... بود، سبب شد از همه آن‌ها متمایز و در واقع تأثیرگذارتر شود. بنابراین، می‌توان او را «**معلم مردم**» نامید؛ معلمی که هم‌چون سیدجمال اسدآبادی و دکتر شریعتی، زبان، و به‌ویژه قلمی شورانگیز و بیدارکننده داشت.

آل‌احمد بسیار درس داد، بسیار گفت، بسیار نوشت، بسیار سفر کرد، بسیار ترجمه کرد و بسیار اندیشید، اما بسیار عمر نکرد. او در ۱۸ شهریور ۱۳۴۸ به مرگی ناگهانی در اسالم (گیلان) درگذشت. پیکر او را به تهران آوردند و در مسجد فیروزآبادی شهرری به خاک سپردند. نام پاره‌ای از آثار او را می‌آوریم:

رمان و داستان: دید و بازدید، پنج داستان، سه‌تار، زن زیادی، نون و القلم، مدیر مدرسه، نفرین زمین.

مقاله: غرب‌زدگی، ارزیابی شتاب‌زده، در خدمت و خیانت روشنفکران، کارنامه سه ساله.

سفرنامه: خسی در میقات، سفر روس، سفر آمریکا، سفر به ولایت عزرا بیل.

ترجمه: بازگشت از شوروی (آندره ژید)، بیگانه (آلبر کامو)، قمارباز (داستایوفسکی)، دست‌های آلوده (سارتر).

همسرش سیمین دانشور، مشغول نوشتن و ترجمه شد. اثر معروف او «مدیر مدرسه» در همین سال‌ها-۱۳۲۷- منتشر شد؛ اثری که به گفته خودش: «حاصل اندیشه‌های خصوصی و برداشت‌های سریع عاطفی از حوزه بسیار کوچک اما بسیار مؤثر فرهنگ و مدرسه، اما با اشارات صریح و اوضاع کلی زمانه است و همین نوع مسائل استقلال‌شکن». اصولاً فضای پاره‌ای از داستان‌ها و نوشته‌های آل‌احمد همان فضای مدرسه و آموزش و پرورش است.

نثر آل احمد

گفتیم یکی از دو کار بزرگ آل‌احمد، «نثر» خاصی است که ابداع کرد و بسیار مورد توجه و مؤثر واقع شد. در این که وی چگونه به این نثر رسید، خودش در گفت‌وگویی که در کتاب «ارزیابی شتاب‌زده» چاپ شده است، می‌گوید: ... من گلستان سعدی رو، شاید بیش از پونصد بار درس دادم. خواجه عبدالله انصاری رو هم شاید بیش از دویست بار. این دو تا منو به این فکر انداخت که این نثر نفس مرده حجازی [محمد حجازی نویسنده آن زمان] رو آیا نمیشه زنده کرد؟ یک کوشش‌هایی کردم. این کوشش‌ها توی «اورازان» شروع شد. ... بعد توی مقاله‌های امثال «دارالعباده یزد»... و دنبال شد و شد تا کتاب یک حضرت نویسنده فرانسوی یعنی **لویی فردیناند سلین** دست ما اومد... دیدم تجربه‌ای است که دیگری کرده و چه خوب درآورده. تمام زواید رو ریخته دور. رابطه‌ها رو ریخته دور... والی آخر. چون مثلاً آقا معلم ادبیاتم من، شاید شعر قدیم خیلی کم‌تر خونده باشم، اما نثر زیاد خوانده‌ام. یعنی نثر کهن رو... این جوری شد دیگه.

درباره نثر آل‌احمد زیاد گفته و نوشته‌اند که از آن جمله این توصیفات است: «نثر آل‌احمد تلگرافی، شلاقی، عصبی، پر خاشگر، حساس، دقیق، تیزبین، صریح، صمیمی، منزله‌طلب، حادثه‌آفرین، فشرده، کوتاه، بریده و در عین حال بلیغ است... او با استفاده از دو عامل نثر کهن فارسی و نثر نویسندگان فرانسوی، به نثر خاص خود دست یافته است... از ویژگی‌های دیگر نثر آل‌احمد، می‌توان به نیمه رها کردن بسیاری از جملات، تعبیرات و اندیشه‌ها و استفاده از علامت «...» به جای آن‌ها اشاره کرد که این امر در راستای ایجاز نوشته و ضرب‌آهنگ سریع آن‌هاست.»

سرمشق نثر

با توصیفی که از نثر آل‌احمد شد و تأثیری که وی تا امروز در ادبیات فارسی معاصر داشته، این نثر را باید از بهترین نثرهایی دانست که می‌توان دانش‌آموزان دبیرستانی را به خواندن آن تشویق کرد تا از این طریق، ذوق نوشتن نیز در آن‌ها تقویت شود. لابد دبیران ادبیات فارسی در انشا و نگارش چنین کاری می‌کنند!

تأثیر دوم

کار دوم آل‌احمد، تأثیری بود که بر جامعه معاصر خود گذاشت. آل‌احمد از آن‌جا که در دوره‌ای پرتلاطم می‌زیست و خود نیز سر پرشوری برای ورود به سیاست و مجادلات سیاسی-اجتماعی داشت، تجربه‌های متفاوتی را از سر